

عنوان مقاله:

تحلیل تصاویر انسان گونه انگارانه و درونمایه آن ها در مثنوی مولانا

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره 19، شماره 71 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسندگان:

سهراب خورسند پشت مساری - دانشجوی دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

هنگامه آشوری - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علیرضا نیکویی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

بهرام پروین - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

مثنوی مولانا جدای از زیبایی ها و جذابیت های ادبی، دارای مفاهیم ژرفی است که پس از قرن ها، همچنان با معیارهای فکری امروز قابل سنجش است و به همین دلیل هنوز تازگی دارد و کهنگی نمی پذیرد. بی تردید یکی از ژرف ترین مفاهیم مثنوی، مفهوم انسان است. انسان در مثنوی، با اعتبارهای مختلف، شئون و وجوه گونه گون دارد. گاهی ضعیف، خوار و ناتوان است، ولی با این همه مغرور و سرکش و طاعی و گاهی وجهی خداگونه دارد و تاج کرامت بر سر او نهاده می شود و عالم در او، منطوی. اما آنچه مهم است، این است که این هردو شان، مبنای تصویرگری های انسان گونه انگارانه از خدا، جهان، امور الوهی و طبیعی است. پژوهش حاضر با تاملی در ریشه ها و زمینه های انسان گرایی و انسان گونه انگاری در قلمروهای مختلف، به روش توصیفی تحلیلی به «تحلیل تصاویر انسان گونه انگارانه و درون مایه آن ها در مثنوی مولانا» پرداخته است. این تحقیق نشان می دهد که چگونه معرفت و شناخت و زبان و بیان و تخیل آدمی، همواره دچار انسان گونه انگاری است حتی آنگاه که از «تنزیه» سخن می گوید.

کلمات کلیدی:

مثنوی، اومانیزم، انسان گونه انگاری، تشبیه، تصویر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1768223>

